|  |  |
| --- | --- |
|

|  |
| --- |
| http://www.ccoip.ir/portal/Picture/ShowObjectPicture.aspx?Width=200&Height=150&ObjectType=NEWS&ObjectID=47855e31-87e8-4fde-88a5-0df7310e30d11393/3/4 يكشنبه**حسن رحیم پور ازغدی وفتنه**مبادا امام حاکم خود را در فتنه‌ها تنها بگذارید در گفتاری درباره نتایج بروز فتنه از دیدگاه علی(ع) گفت: حضرت امیر به مردم سفارش می‌کند مبادا امام حاکم خود را در فتنه‌ها تنها بگذارید. **\* خداوند در زمان فتنه اهل حق را رها نمی‌کند**امام علی(ع) در خطبه 50 نهج‌البلاغه در خصوص اینکه فتنه چگونه شروع می‌شود صحبت می‌کند و می‌فرماید که شروع فتنه از دو جاست: یک بعد نفسانی دارد یعنی خودخواهی و دوم اینکه شروع فتنه از بدعت نظری در مفاهیم است. یک عده در اصول و مفاهیم بدعت می‌گذارند، آن را تحریف می‌کنند و عده‌ای هم برای قدرت‌ طلبی و دنیاخواهی پیش می‌آیند؛ امام علی(ع) فرمود فردی او را یاری می‌کند،‌ فردی در مفاهیم بدعت می‌‌گذارد. ایشان می فرماید که اگر باطل با حق در نیامیزد و مخلوط نشود حق‌طلبان به راحتی آن را تشخیص می‌دهند و کار باطل پیش نمی‌رود ولی در فتنه،‌ فتنه‌گران اندکی از حق و باطل را می‌گیرند و آن را مخلوط می‌کنند؛ یعنی زمانی که سخنرانی یا منبر آنها را گوش می‌کنید و یا مقاله و کتاب آنها را می‌خوانید متوجه می‌شوید که مباحث درستی در آن وجود دارد ولی در واقع مقداری از حق و مقداری از باطل با هم مخلوط و ارائه شده‌ است؛ یعنی این مطالب باطل صریح نیست. حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: اینجاست که بازار شیطان گرم می‌شود و در جامعه یارگیری می‌کند. با این حال اینجا هم اگر کسی اهل حق باشد و تقوا حق داشته باشد، حضرت امیر می‌فرمایند که خداوند رهایش نمی‌کند. **\* در زمان فراگیری شبهه اگر حق و باطل را تشخیص نمی‌دهید بر جای خویش بمانید تا حجت پیدا کنید**امام علی (ع) در خطبه 151 نهج‌البلاغه می‌فرمایند: مردم شما هدف‌گیری شدید و مورد آماج بلا و امتحان هستید، بیدار شوید و از مستی وفور نعمت و از سختی عقوبت بترسید؛ آنگاه که غبار شبهه برانگیزد برجای خویش بمانید، حرفی نزنید و اقدامی نکنید و اگر نمی‌توانید حق و باطل را تشخیص دهید بر اساس تعصب و احساسات موضع نگیرید. فرمودند وقتی نمی‌دانید حق و باطل چیست اگر تقوای حق‌طلبی دارید، آرام باشید. زمانی که متوجه نمی‌شوید و حجت عقلی و شرعی ندارید و بخواهید بر اساس احتمال، حدس، گمان، تبلیغات و تلقینات موضع بگیرید بیدار باشید و آنگاه که غبار شبهه برمی‌خیزد، بر جای خویش بمانید تا حجت پیدا کنید. فرمودند وقتی فتنه‌ها‌ پیدا شود و راه کج پیش پای هر یک از شما بگذارد و آسیابش بچرخد، فتنه آغازش چون ابتدای جوانی، دلربا، فریبنده و جذاب است اما وقتی پایان یابد آثارش شوم و زشت است؛ چون نشانه‌های ضربت سنگ. حضرت امیر(ع) ‌فرمودند: فتنه وقتی می‌آید در ابتدای آن نمی‌فهمید که فتنه است چرا که همه‌ چیز مرتب، قشنگ، درست و تئوریزه شده است. فرمودند که اینجا جای صبر و دقت است. آغاز فتنه از افرادی است که بر سر قدرت، ثروت و ریاست مسابقه می‌گذارند و چون سگان این مردار را از دندان یکدیگر می‌ربایند و یکدیگر را می‌جوند و پس از مدتی پیروان از رهبران اعلام بیزاری و برائت می‌کنند و رهبرانشان از پیروانشان گلایه می‌کنند. هر یک تقصیر را برعهده دیگری می‌گذارد و چون دشمنان از یکدیگر جدا می‌‌شوند، هیچ یک مسئولیت آنچه کردند و مسئولیت فتنه را برعهده نمی‌گیرند و یکدیگر را با لعنت دیدار می‌کنند. **\* حضرت امیر به مردم سفارش می‌کند مبادا امام حاکم خود را در این فتنه‌ها تنها بگذارید**حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: وقتی شبهه برمی‌خیزد بر جای خویش بمانید، آنگاه که شبهه گرد و غبار می‌کند، فتنه از رهگذرهای پنهان و غیر آشکار در می‌آید، پس آنگاه به رسوایی و زشتی می‌گراید. امام علی(ع) در خطبه 93 نهج‌البلاغه می‌فرماید: فتنه زمانی که می‌آید از روبرو شناخته نمی‌شود، وقتی که تمام می‌شود از پشت سر شناخته می‌شود یا در جای دیگری می‌فرماید ای مردم امام حاکم خود را در این فتنه‌های تنها مگذارید تا بعدها خود را سرزنش کنید. خود را در آتش فتنه‌ای که پیشاپیش آن رفته‌اید بی‌اندیشه در می‌آورید همانا من برای شما چراغم در تاریکی، هر کس در تاریکی است و حق را از باطل نمی‌شناسد به این چراغ بنگرد،‌ به من بنگرد و راه را بیابد. **\* دشمنان علی(ع) در جمل از خوش‌سابقه‌ترین اصحاب پیامبر(ص) بودند**حضرت امیر(ع) فرمود: در فتنه دل‌های سابقاً مؤمن دو دل و سست می‌شوند، مردان سالم گمراه می‌شوند، رأی درست و نادرست در هم می‌آمیزد، فرزند با پدر کینه می‌توزد، پدر و فرزند علیه یکدیگر کینه می‌ورزند. در زمان امام علی(ع) یکی از مواردی که خود حضرت آن را فتنه نامیدند، شورش جمل بود که منتهی به جنگ جمل شد و این جنگ، اولین جنگی بود که بر علی(ع) تحمیل شد یا خود حضرت در نهج‌البلاغه، شورش طلحه و زبیر را فتنه نامیدند و از مردم خواستند که آن را سرکوب‌ کنند و طی نامه‌ای به مردم کوفه نوشتند که دیگ آشوب به جوش آمده و فتنه آغاز شده است؛ همه به سوی رهبر خود بشتابید و در جهاد علیه فتنه شتاب کنید که تأخیر خطرناک است. دشمنان حضرت علی(ع) در جنگ جمل جزو خوشنام‌ترین خوش‌سابقه‌ترین افراد و اصحاب پیامبر(ص) بودند؛ کسانی که حضرت امیر(ع) می‌فرماید ما از کودکی و خردسالی با هم بزرگ شدیم و در جبهه‌ها همیشه همه در کنار هم بودیم. طلحه و زبیر بارها در جهاد در خط مقدم بودند. شخص دیگر کیست؟ عایشه؛ ام‌المؤمنین و همسر پیامبر(ص). عایشه جزو نزدیک‌ترین افراد به پیامبر(ص) بود. عثمان خلیفه سوم کشته و پس از آن شورش شروع می‌شود. این شورش به حدی است که سه روز جنازه خلیفه روی زمین می‌ماند و هیچ کس حاضر نمی‌شود که او را دفن کند؛ یعنی فضای مدینه اینگونه بود. می‌دانید که جنازه عثمان، خلیفه سوم را در نیمه شب و بعد از سه روز آنهم با وساطت امیرالمؤمنین(ع) برای دفن بردند. ابتدا مردم مدینه نگذاشتند که او در قبرستان مسلمانان دفن شود و به همین خاطر عثمان را در مقبره و باغ یک کسی دفن و بعد روی آن دیوار خراب کردند تا کسی نبش قبر نکند که بعدها همانجا جزو قبرستان بقیع شد. در واقع خود قضیه قتل خلیفه نیز یک فتنه بود و از مواردی بود که حق و باطل با یکدیگر مخلوط شده بودند. حضرت امیر(ع) هم منتقد روش حکومتی عثمان بودند و هم در عین حال مخالف قتل خلیفه. **\* آنچه که برای اجرای عدالت پیش رو داریم انواع و اقسام رنگ‌ها و چهره‌ها و صداها است**خلیفه کشته می‌شود و مردم به سمت حضرت علی(ع) هجوم می‌آورند. اصحاب، مهاجرین و انصار و همه به سمت علی(ع) هجوم می‌آورند که باید رهبری را برعهده بگیرید. در ابتدا حضرت می‌فرمایند که من را رها کنید و سراغ افراد دیگری بروید. هستند افرادی که دلشان می‌خواهد و برای تحویل حکومت آمادگی دارند. از من بگذرید. من اگر در حاشیه باشم و کمک کنم و نظارت داشته باشم بهتر از این است که مسئولیت حکومت را برعهده بگیرم. آنچه که برای اجرای عدالت پیش رو داریم انواع و اقسام رنگ‌ها و چهره‌ها و صداها است. بعد از این خود شما درست تشخیص نخواهید داد و برخی از شما مقابل من خواهید ایستاد. عده‌ای از شما کنترل احساسات خود را از دست خواهید داد و ایمان قبلی‌تان خواهد لرزید و عقل‌هایتان ثبات نخواهد داشت. همه شما قدرت تشخیص نخواهید داشت؛ یعنی این کار به لحاظ نظری هم ثبات عقلی یعنی تشخیص درست حق از باطل می‌خواهد و هم ایمان و قلب محکم؛ ولی اکثر شما این شرایط را ندارید؛ نه قلب‌های شما برای این کار محکم خواهد بود و نه عقل‌هایتان ثبات خواهد داشت تا حق را از باطل به درستی تشخیص دهید. من از همین حالا می‌بینم که آفاق تیره و نیمه تاریک و نیمه روشن خواهد بود و این را بدانید اگر من مسئولیت حکومت را قبول کنم دیگر گوشم بدهکار وراجی‌ها و سرزنش‌های دیگران نخواهد بود و به آنچه که خودم درست می‌دانم عمل خواهم کرد. بنابراین با چشم باز با من بیعت کرده و به من رأی دهید. **\* بیعت‌کنندگان با علی(ع) سه جنگ را به ایشان تحمیل کردند**حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: من نمی‌خواستم مسئولیت حکومت را قبول کنم ولی چونان جمعیت به سمت من هجوم آورد که لباسم از دو طرف پاره شد، دختران از فرط اشتیاق حجاب خود را کنار گذاشتند و به سمت من می‌آمدند و پیرمردهایی که با عصا راه می‌رفتند چنان به سویم می‌آمدند که عصای خود را پرت کردند. من وقتی دیدم مردم این چنین به سمت من آمدند و بیعت عمومی است و همه می‌گویند که ما پای تو ایستاده‌ایم، دیگر بهانه‌ای نداشتم که این مسئولیت را قبول نکنم و حجت بر من تمام شد. با این حال می‌دانستم که برخی از همین افراد با من چگونه رفتار خواهند کرد و زمانی که خلافت و رهبری را پذیرفتم، گروهی از همین افراد پیمان شکستند(ناکثین)، گروه دیگری از دین خارج شدند(مارقین) و دسته سوم ستم کردند (قاسطین) و همین‌ها سه جنگ را به من تحمیل کردند. گویا نشنیده بودند که خداوند در قرآن فرموده بود که آخرت از آن افرادی است که در دنیا دنبال فساد و برتری طلبی نباشند و این خانه و دار آخرت را مخصوص افرادی قرار دادیم که اراده علو یعنی برتری طلبی، ریاست و قدرت طلبی و اراده فساد نداشته باشند. حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: چطور شما در قرآن این آیه را می‌بینید ولی باز با من درگیر شدید. چرا این آیه در ذهن همه شما وجود دارد اما دنیا چشم شما را پر کرده است و به وقتش آیه‌های این چنینی را فراموش می‌کنید. علتش این است که منافع شما به خطر می‌افتد. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید اگر آن گروه بسیار برای بیعت با من هجوم نمی‌آوردند و حجت بر من تمام نشده بود و اگر نبود که خداوند از عالمان و آگاهان پیمان گرفته است که بر گرسنگی ستم دیدگان و شکم‌بارگی ستم‌گران آرام نگیرند به خدا سوگند مسئولیت حکومت را قبول نمی‌کردم و مهار شتر حکومت را روی کوهان آن می‌انداختم تا هرجا دلش می‌خواهد برود و آب پایان آن را به جام آغاز آن می‌دادم، و می‌دانید و می‌دانستید که دنیای شما در نزد من بی‌ارزش‌تر است از عطسه بز. ابن عباس روایت می‌کند: در دومین روزی که مردم مدینه با علی بیعت کردند امام علی همان اول آمد و سخنرانی کرد که از همین سخنرانی جنگ‌ها بیرون آمد و فهمیدند که با علی نمی‌شود ساخت و باید با او جنگید و حکومت وی باید براندازی و ساقط شود. ابن عباس روایت می‌کند حضرت امیر(ع) در بخشی از سخنرانی خود گفت: مردم در روز اول حکومت به شما بگویم، ای مردم بدانید که هر زمین و امکاناتی که از بیت‌المال در دوره قبل گرفتید و به شما داده شده، از اموال خدا و اموال مردم و بیت‌المال به هر کس دادند همه آنها بدون استثنا به بیت‌المال باز خواهد گشت، همه را مصادره می‌کنم و از شما پس می‌گیرم، هر کس هر آنچه را که از بیت‌المال بیش از سهم خود برداشته است به بیت‌المال باز می‌گردانم اولین قدم اول حکومت بنده است، بعد هم نگویید که بر گذشته‌ها صلوات. حضرت امیر(ع) فرمود: حقی که زمان بر آن گذشته است باطل نمی‌شود، حق و حقوق و عدالت مشمول عبور زمان نمی‌شود، اگر این اموالی را که از بیت‌المال برداشتید و رفتید و با آن ازدواج کردید و یا مهریه همسرتان کردید همان را از شما پس می‌گیرم، و اگر هم در نقاط مختلف سرمایه‌گذاری کردید همه را از شما پس خواهم گرفت چرا که اینها مال شما نیست، اینها مال خداست و متعلق به فقرا و محرومان است، هرکدامتان هم بگویید که عدالت سخت است، حضرت فرمودند اتفاقاً آسان است، در اجرای عدالت گشایش، سعه و راحتی است برای همه، اتفاقاً اگر عدالت اجرا شود همه راحت زندگی می‌کنند، اگر کسانی فشار عدالت را سخت می‌دانند بدانند که فشار بی‌عدالتی سختی بیشتری دارد. حرف‌هایی را هم که بیان می‌کنم شعار نیست یعنی گردن من به آنچه می‌گویم گرو است، گردن من در گروه صحبت‌های من است و جانم را در راه صحبت‌هایم می‌دهم. فرمودند: افرادی که تقوا داشته باشند در شبهات وارد نمی‌شوند، چرا که از این به بعد عده‌ای در افکار عمومی شبهه ایجاد می‌کنند آن هم با عنوان‌های قشنگ تا مقابل مرا بگیرند، ولی در این میان افرادی که تقوا داشته باشند وارد شبهات نمی‌شوند و بازی نمی‌خورند ولی افرادی که دلشان می‌خواهد بازی بخورند بازی می‌خورند، آگاه باشید که بلا و آزمایش شما و آزمون بزرگ شروع شد عین روز اولی که پیامبر (ص) آمد. مانند 30 سال پیش، آن موقع بین اسلام و کفر انتخاب کردید دوباره کاری می‌کنم که مجبور شوید بین اسلام و کفر انتخاب کنید، دوباره سر دوراهی قرارتان می‌دهم، بازی تمام شد، نمی‌شود روش کفار را پیش بگیرید ولی با ظاهر مذهبی، نمی‌گذارم، باید بین عدل و ظلم انتخاب کنید، دوباره باید معلوم شود که چه کسی مؤمن است چه کسی کافر و فاسق، غربال می‌شوید، یا بر من با با من یعنی یا با حق یا بر حق، تصمیم خود را باید بگیرید، انقلاب یا ضد انقلاب، حق یا باطل، عدل یا فساد.  |

 |